



۶

درباره پیروزی پهلوانک های ایران زمین در برنامه عصر جدید

پهلوان رخصت!

طرح: نوجوانه



هم عشق، هم عقل



توی گود زورخانه



خیال هم عالمی دارد



معرفی



سوار بر موج تجربه

بوی سال ۱۴۰۱ هجری

چهار ساله شده باشد و پدر بالای سرش، مثلاً بچه ها هنوز تا عمورا صدای زنده جواب بشنوند، مثلاً... هی هر شب یک روضه می گذرد و بوی پیاده روها را می کند جور دیگر حتم دارم اگر اکسیژن جایی که قصه عاشورا در آن روایت می شود را ببرند زیر میکروسکوپ اجنبی های یک مولوکول های عجیب سرخ و سیاه بینش می بینند که بودارد؛ که وقتی می رسد به روز آخر و شب عاشورا، بوش گلوت را خفه می کند. یک بوی خون و خاک، عراق کنونی، جا مانده از سال ۶۱ هجری قمری.

هر آدم، هر خانه، هر اتفاق، اصلاً این بوی ماه مهر که می تگرارش می کنند مثلاً... و حتی محرم هم... از بوی سیاهی های نم کشیده بگذریم، از بوی آهن این داربست ها لوله ای هم. محرم انگار هر سال یک بو دارد. انگار هر سال هر روز هر ده شب بوی هر شهری تغییر پیدا می کند، تکمیل می شود. انگار هر شب منتظریم یک واقعه جدید بشنویم یک تغییری پیدا کند این مصیبت نامه، این سنگینی اکسیژن روی سینه هامان یک کمی کم شود، که ورق عالم بچرخد. مثلاً علی اصغر در دامان مادر بزرگ شده باشد، رقیه

دیوار شمالی باشد و شام کته بار گذاشته باشد. آدم دلش که هیچ روح و روانش هم حالی به حالی می شود. هر کسی در مواجهه اول با همه چیز یک قلاب خاص دارد. کسی هم مثل من قلابش گیر می کند به بوهای مختلف. قبلاً هم دریکی از سرمقاله های نوجوانه درباره اش گفته بودم اما نگفته بودم تا چه حد همه چیز می تواند بسته به بویش گیرم بی اندازد.

زهرا قربانی
دبیر «نوجوانه»



شب ها که برمی گردم خانه از درز در همه واحدها یک هجمه بوی غذا بیرون می زند و خدا نکند کسی قورمه سبزی باشد پخته باشد یا مثلاً همسایه دیوار به